رواق
ویژه‌فرهنگ‌ومعارف‌رضوی
| سال اول | ویژه نامه ۱۹۶ |

موعظه/آیت‌الله جاودان
آدم، واعظ درونی‌اش را یک‌شبه از دست نمی‌دهد ۲

افتتاح نمایشگاه «در پرتو هفت رنگ» ۴

چهل حدیث
انسان، میدان جنگ است ۳

به همت انتشارات انقلاب اسلامی
نسخه جدید «اجوبة الإستفتائات» رهبر معظم انقلاب منتشر شد ۳

تازه‌های نشر
کتابی برای نترسیدن کودکان از «جن» ۲

پای صحبت خانواده شهید «وحید زمانی‌نیا» که محافظ سردار سلیمانی بود

فرزند ری، مدافع حرم

۲

سارا یوسفی - عکس رضوی

رئیس بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی تشریح کرد

رویکرد علمی برای تحقق «زیارت متعالی»

توجه ویژه به موضوع زیارت متعالی، نگاه به جهانی‌سازی فعالیت‌های بنیاد پژوهش‌های اسلامی، تمرکز بر حوزه آینده‌پژوهی، ارائه پاسخ مناسب به همه نیازها در آستان قدس رضوی، ترسیم برنامه سه‌ساله فعالیت‌ها در چارچوب سند سیاست‌های کلان آستان قدس و همچنین نگاه تحولی به برنامه‌ها و فعالیت‌ها از جمله موضوعاتی است که در بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی مورد توجه قرار دارد.به مناسبت سالروز تأسیس بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی با دکتر «احد فرامرز قراملکی» رئیس این بنیاد به گفت‌وگو نشسته‌ایم. آستان قدس رضوی ...

۴

مسافرانی که یک قرن پیش به زیارت می‌آمدند، با چه میوه‌هایی پذیرایی می‌شدند؟

یک سبد میوه مشهدی پیشکش زائران

محمدحسین نیکبخت | مشهدالرضا(ع) از دیرباز، شهری پُرمیوه بوده است؛ قرار گرفتن این منطقه روی جلگه‌ای وسیع و حاصلخیز موجب می‌شد مردم در طول سال، از نعمت میوه‌های متنوع برخوردار باشند و زائران حرم رضوی نیز از این سفره پربرکت بهره‌مند شوند. برای ما که امروزه، تا اراده می‌کنیم، انواع میوه‌های گرمسیر و سردسیر و غیره جلویمان صف می‌کشد، باورش سخت است که بپذیریم، روزی روزگاری، زائران و مجاوران حرم رضوی، برای استفاده از میوه‌ها باید ماه‌ها منتظر می‌ماندند یا با خوردن فراورده‌های آن، مانند میوه خشک شده، یک جوری هوس میوه‌خوری را از سرشان می‌انداختند. تا حدود ۹۰ سال پیش، وسایل ارتباطی میان شهرها آن قدر گسترده و کارآمد نبود که بتواند بازار میوه را در شهر مشهد، از نظر تنوع رونق ببخشد؛ حتی برای آوردن میوه از شهرهایی مانند نیشابور که چندان از مشهد دور نبودند، وسیله کافی و مناسب وجود نداشت. برای همین، مردم باید به میوه‌هایی که در شهرها و روستاهای اطراف آن عمل می‌آمد، بسنده می‌کردند. اما این میوه‌ها چه بود؟ مجاوران حرم رضوی با چه محصولات باغی‌ای از زائران پذیرایی می‌کردند؟ شاید تا به حال اصلاً به این مسئله فکر نکرده باشید! اگر چنین است، امروز در صفحه نخست رواق، همراه ما شوید تا بفهمید که وضع، خیلی هم بد نبوده است.

■ توت مشهد، سرور توت‌های ایران

توت یکی از محصولات باغی و قدیمی شهر مشهد است. تا همین ۱۵۰ سال پیش، فروش توت در مشهد رایج نبود؛ شهر پر بود از درخت‌های وقفی توت که مردم بدون پرداخت هزینه از آن‌ها استفاده می‌کردند. اما افزایش جمعیت و از بین رفتن بخش مهمی از این درخت‌ها، پای توت را به بازار میوه مشهد باز کرد. در مشهد ۶ نوع توت به عمل می‌آمد؛ رسمی پیوندی، بخارایی، شاه‌توت، توت قرمز، دالخور و هفت‌زاد. در بین این توت‌ها، توت بخارایی لطیف، پرآب و شیرین بود و چون در شهر عمل می‌آمد، طرفداران زیادی داشت. برخی معتقدند توت‌های مشهد در آن زمان، از همه جای ایران بهتر بوده است. در میان این توت‌ها، توت هفت‌زاد بیشتر از بقیه دوام داشت و تا اواخر مهرماه هم میوه می‌داد.

■ سیب؛ میوه‌ای از بهشت

مشهدالرضا(ع) از نظر سیب هم بسیار متنوع بود. در مجموع ۶ نوع سیب در بازار میوه مشهد پیدا می‌شد که بیشتر آن‌ها را از روستاهای اطراف می‌آوردند؛ الموری، عباسی، بیاق‌دستی، گلشاهی، کلوخی و سیب بزرگ و آب‌دار اخلمد که از بهترین سیب‌های ایران محسوب می‌شود و هنوز هم طرفداران زیادی دارد. در میان این سیب‌ها به استثنای سیب اخلمد که از روستایی به همین نام در ۷۵ کیلومتری مشهد وارد شهر می‌شد، سیب گلشاهی به دلیل قیمت مناسب و طعم فوق‌العاده، طرفداران فراوانی داشت. به دلیل کم‌آسیب بودن این میوه در حمل و نقل، سیب‌ها را از مسافت‌های دورتر با استفاده از حیوانات باربر به مشهد می‌آوردند.

■ خربزه؛ محبوب همیشگی مشهدی‌ها!

حتماً شما هم از پدربزرگ‌هایتان، ماجرای خربزه‌خوری در مشهد و رونق آن را شنیده‌اید؛ البته خربزه میوه نیست، جزو صیفی‌جات است، اما به هر حال یک محصول زراعی پرطرفدار در پذیرایی از میهمان‌هاست و در مشهد هم هنوز کاربرد زیادی دارد. اما جالب است بدانید که تا یک قرن پیش، این محصول در تابستان‌ها همه بازار را قبضه می‌کرد و حتی برخی فروشندگان، آن را روی گاری و پشت حیوان باربر، در کوچه پسکوچه‌های شهر عرضه می‌کردند. در مشهد ۱۷ نوع خربزه و طالبی عرضه می‌شد و از این منظر، شاید در تمام ایران نظیر نداشت؛ انواع خربزه بازار مشهد عبارت بودند از: خربزه گرجه، گرمک، طالبی اصفهانی، تیل، سیاه سرداری، خاقانی، کربلایی، سینه‌باز، محولاتی، لاکی، رشیدی، زرد، ذوالفقارخانی، قلمکار، خطک، رقوم و دبیری. تعجب نکنید که طالبی را جزو خربزه‌ها آوردیم؛ آخر در یک قرن قبل، این دو از هم جدا نبودند! در بین این خربزه‌ها نوع خاقانی، گرجه و سیاه سرداری به دلیل شیرینی و پرآبی، طرفداران زیادی داشت. بخش مهمی از اراضی اطراف مشهد به کاشت خربزه اختصاص یافته بود و امروزه هم در برخی از این نواحی مانند «جیم‌آباد» شهرت دارد.

■ انگور، سالار باغ‌های میوه

اگر قرار باشد از مهم‌ترین میوه پذیرایی در مشهدالرضا(ع) سخن بگوییم، بدون شک آن میوه انگور است؛ در بازار میوه مشهد، ۳۵ نوع انگور عرضه می‌شد، یعنی تنوع آن از دوران ما خیلی بیشتر بود؛ انواع انگورهای روچه، خلیلی، عسگری، کشمشی، صاحبی، فخری، شاهانی سفید، آونگ(هَوَنگی)، سنگونک و مویزی، لعل، ریش‌بابا، نازک، شاهانی سیاه، فشنگی، قرمز، تیفی، خلیلی قوچانی، خلیلی پیکانی، عسگری سیاه، کشمشی سیاه و... را می‌شد در بازار مشهد در ماه‌های مختلف یافت. تولید سرکه و شیره انگور از این محصولات، در شهر مشهد رایج بود به ویژه شیره انگور که آن را در فصل زمستان با برف مخلوط می‌کردند و مقابل میهمان می‌گذاشتند.

■ سایر میوه‌ها

به جز مواردی که به آن‌ها اشاره کردیم، در شهر مشهد تا پیش از رونق حمل و نقل، آلبالو (یک نوع)، گیلاس (دو نوع معمولی و رسمی)، آلو (پنج نوع سیاه، بخارا، زرد، مویزی و شمس)، گوجه (سه نوع پیوندی، قرمز و نِلک) و بِه (سه نوع خَرو نیشابور، معمولی و تُرش) وجود داشت و در فصل‌های مختلف از آن برای پذیرایی استفاده می‌کردند؛ البته در مورد برخی میوه‌ها مانند بِه، درآوردن آن به شکل فراورده‌هایی مانند مربا و هدیه دادن آن به زائران و میهمانان، بیشتر متداول بوده است. از مجموع اطلاعاتی که ارائه کردیم می‌شود فهمید وضع قدیمی‌ها در زمینه میوه‌جات، خیلی هم بد نبوده است؛ آن‌ها میوه‌های وطنی را در انواع مختلف میل می‌کردند؛ میوه‌هایی که با شرایط اقلیمی و ساختار بدنی‌شان تناسب داشت؛ اما ما در دوران خودمان، این همه میوه متنوع از سراسر دنیا را صرف می‌کنیم و البته نمی‌دانیم که چطوری و با چه وضعی به دستمان رسیده است! یکی از بزرگان فامیل که عمری بیش از ۱۰۰ سال داشت، همه را نصیحت می‌کرد که اگر می‌خواهید عمر طولانی و بدن سالم داشته باشید، میوه را در فصلش بخورید، چون خداوند آن را برای بدن شما در همان زمان آفریده و سازگار کرده است. راستش را بخواهید دل من یکی که بازار میوه ۱۰۰ سال قبل را می‌خواهد، با آن تنوع میوه و عطر معنویتی که در فضایش می‌پیچید.

گزیده

اگر قرار باشد از مهم‌ترین میوه پذیرایی در مشهدالرضا(ع) سخن بگوییم، بدون شک آن میوه انگور است؛ در بازار میوه مشهد، ۳۵ نوع انگور عرضه می‌شد، یعنی تنوع آن از دوران ما خیلی بیشتر بود؛ از جمله انواع انگورهای روچه، خلیلی، عسگری، کشمشی، صاحبی، فخری، شاهانی سفید، آونگ(هَوَنگی)، سنگونک و مویزی.

نیمکت زندگی

پناه می‌آورم به تو

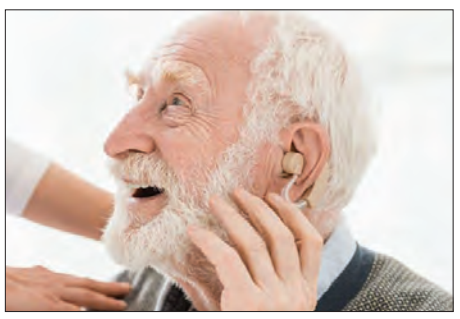

رقیه توسلی | یک/ نشسته کنار پدربزرگش. دارد سمعک او را که لحظه‌ای نقش زمین شد، ضدعفونی می‌کند. کارش با سمعک که تمام می‌شود پدربزرگ سر نوه‌اش را با ماسک دوبل می‌بوسد و می‌گوید: دستت درد نکنه بابا. تو رو دارم غم ندارم. خدا از عمر من بذاره رو عمرت... . برای حال خوب و مرغوبی که توی اتاق انتظار مطب‌ها کمتر پیدا می‌شود، دلم غنج می‌رود.

نوه با لبخند جواب می‌دهد: حاجی‌جانم! اگه داری اینارو میگی واسه حق‌السکوت که خدمتت عارض شم اشتباه گرفتی ما ازوناش نیستیم. ازینجا که رفتیم بیرون همه رو در جریان میذارم... این از این... خودت بگو با ناپرهیزی‌هات چیکار کنم منِ طفلک؟ پرونده نون خامه‌ای‌ها، پرونده سنگینیه... گفته باشم... و لُپ پدربزرگش را می‌کشد.

پدربزرگ می‌گوید: امان از رفیقِ بد! باور کن این پیری، این «فرامرزی» پیزوری منو اغفال کرد. هی گفت نمی‌دونم بخور قندش کمه، شیرینی‌ش طبیعیه، اِلِه و بِلِه... وگرنه که من حواسم هست.

دو/ با اخم و تخم وارد می‌شوند. بی‌ماسک. زن و شوهری که به نظر می‌رسد همین حالا از رینگ بوکس بیرون آمده‌اند و در انتظار راند بعدی‌اند. از قضا همین هم می‌شود. گوشی مرد که زنگ می‌خورد انگار راند دوم شروع می‌شود. زن با حرکتی سرعتی، موبایل را از دست مرد می‌قاپد و جنگ می‌شود.

به نظرم با اختلاف فاحش، مدال حمله‌کن‌ترین زن و شوهر دوران کرونا را باید انداخت گردن این دو نفر... بدوبیراه و چنگ و دندان و گیس و گیس‌کشی در ملأ عام! داشتم به حال قشنگ مطب‌ها ایمان می‌آوردم که قسمت نشد! پا می‌شوم سمت زن گریان. شالش افتاده و موها و آرایشش به هم ریخته و دستش زخمی شده. درب و داغان است درست مثل همه ما که امروز توی این کلینیک، درمان نشدیم. حدسم درست بود، باز هم حکایت بی‌وفایی‌ست. گویا مرد ده سالی می‌شود دارد به زنش نارو می‌زند.

سنجاق: هر کجا عشق بُوَد/ بادیه، باغ ارم است

پی‌نوشت: امام صادق(ع) می‌فرمایند: خدایا! خوبی، آراستگی و محبت را خواستارم و از بدی به تو پناه می‌برم.

منبر مجازی

حواست به همسایه باشه

آیت‌الله مجتهدی تهرانی | یک حدیث داریم که رسول خدا(ص) فرمودند: «اون قدر جبرئیل راجع به همسایه سفارش کرد که من خیال کردم که همسایه از همسایه ارث می‌بره»... یعنی این قدر مهمه... همسایه یه وقت قوم و خویشتونه، سه حق داره... یه وقت هم مسلمونه، دو حق داره... یه وقت کافره، یه حق... حق‌الجوار... آش رشته می‌پزی یه کاسه براش ببر... درخت خرمالو داری یه ظرف پر کن براش ببر... از مسافرت میای هدیه بهش بده... حدیث می‌خونم براتون. بله کافره... اما همسایه‌اس... حق‌الجوار... اگه مسلمون بود گفتیم دو حق... حق‌الجوار، حق‌الاسلام. اگه خویشاوندت بود این میشه سه حق... حق‌الجوار، حق‌الاسلام و حق‌القرابه... تکرار می‌کنم که حدیثو حفظ کنین. همسایه یهودیه اما دیگه بچه‌هات نباید سنگ بندازن توی حیاطش، نباید سروصدا کنن. موتورسیکلتتو نباید پشت دیوار خونه اون گاز بدی که از خواب بپره. خیلی مشکله... رعایت حق همسایه خیلی مشکله. اغلب همسایه‌ها می‌بینی از همسایه‌شون راضی نیستن. روایت هم داریم که اگه ببینی همسایه فقیر، شب گرسنه می‌خوابه اما رسیدگی نکنی بهش، مسلمون نیستی... اینم مشکله... باید تحقیق کنی و حواست باشه وضع مالی همسایه چطوره... یه عالمی به یه نفر گفت تو چرا همسایه‌ات وضع مالیش بد بود بهش کمک نکردی؟ طرف گفت خبر نداشتم. گفت خب من برای همین که خبر نداشتی دارم بهت اعتراض می‌کنم؟ چرا خبر نداشتی؟ اگه خبر داشتی و کمک نکردی که کافری. بله... باید برسیم به همسایه‌ها... حالا گیرم خودت نداری کمک کنی. به این و اون بگو و کمک بگیر... هستند جاها و آدمایی که کار خیر می‌کنن... حداقل به اونا خبر بدین ما یه همسایه داریم مستحقه... تحقیق کنین پیدا کنین جاهایی رو که کمک می‌کنن... اگه می‌دونین همسایه‌تون مستحقه، بچه‌داره، سرپرست خونواده نیست، فوت کرده، اگه خودتون نمی‌تونین کمک کنین حداقل می‌تونین به جایی خبر بدین... به کمیته امداد خبر بدین... تحقیق که گفتیم بکنین یعنی همین دیگه... اگه در این زمینه کوتاهی کنین مسئولیت شرعی دارین. حواستون به همسایه‌ها باشه به خصوص اگه متدین باشن که مسئولیت شما بیشتره... .

لا یسعد احد الا باقامة حدود الله و لا یشقی احد الا باضاعتها

هیچ کس جز با اجرای حدود و احکام خدا خوشبخت نمی‌شود و جز با ضایع کردن آن بدبخت نمی‌شود.

نازه‌های نشر

کتابی برای نترسیدن کودکان از «جن»

هم نام کتابش عجیب و غریب است و هم مراسم رونمایی از آن که برای کودکان نوشته است. کتاب «جنقلی» را می‌گویم که برای جلوگیری از ترس کودکان از جن نوشته است. بیشتر کسانی که در حوزه کتاب کودک به‌ویژه در ادبیات دینی دست به قلم هستند، نام غلامرضا حیدری ابهری را روی جلد کتاب‌های کودکانه و خوش تصویر دیده‌اند. این کارشناس دینی که عمر خود را برای آگاهی‌بخشی به کودکان و نوجوانان به‌ویژه در حوزه دینی صرف کرده، به‌تازگی کتابی درباره جن نوشته است. وی در شناسنامه کتاب جنقلی درباره موضوع کتاب نوشته: خدا حافظی کودکان با یک ترس نابجا به نام جن. این کتاب برای کودکان هشت تا ۱۲ سال است.

حجت الاسلام حیدری ابهری در گفت‌وگو با ایرنا درباره علت نوشتن چنین کتابی گفت: یکی از نگرانی‌ها و ترس‌های نابجای کودکان درباره جن است. کودکان این کلمه را می‌شنوند و اطلاعات گوناگونی از آن بدست می‌آورند و نگرانی‌هایی در وجود آنان درباره جن شکل می‌گیرد.

وی افزود: اگر بخواهیم این مسئله را انکار کنیم، آنان به هر حال از راه‌های گوناگون به این نتیجه می‌رسند که در مفاهیم دینی بحث جن مطرح است. پس بهتر است مفهوم آن را به شکل صحیح برای کودکان طرح کنیم تا ضمن پذیرش این حقیقت، جلو ترس‌های نابجای آنان را بگیریم.

این نویسنده دینی اضافه کرد: در این کتاب از زبان یک جن با مخاطب صحبت می‌کنم و به شکلی صحیح به معرفی اجنه می‌پردازم به طوری که ترس و نگرانی در کودکان ایجاد نکند؛ ضمن اینکه این اطلاعات در معارف دینی ما هم تأیید شده و اضطرابی در آنان ایجاد نمی‌کند و ترس کودکان را برطرف می‌کند.

انگیزه من از تألیف کتاب جنقلی این بود کودکانی که با مفهوم جن دچار مشکل و در منتشر گرفتار ترس و نگرانی می‌شوند، بتوانند خود را از این ترس نجات دهند.

این کتاب در ۳۲ صفحه از سوی نشر جمال منتشر شده و تصاویر آن را سام سلماسی کشیده است. به گفته حیدری ابهری فضای داستان کنم. این مال این است که خدای متعال این بنده را دوست دارد. اراده خیر دارد. به یک لفظ دیگر یعنی خدای متعال او را دوست دارد. می‌خواهد یک چیزی درباره او باشد. می‌خواهد عاقبتش به خیر شود. او را دلسوز خوش قرار داده است. به عبارت دیگری که اینجا داریم واعظی در درونش او را وعظ می‌کند. او را به‌خاطر گذشته بد و رفتار بدش سرزنش می‌کند. روایات دیگری از آن بزرگوار است: «مَنْ کانَ لَهُ مِن قَلبِه واعِظٌ کانَ عَلَیهِ مِنَ اللّهِ حافِظٌ»؛ کسی که درون قلبش یک واعظ و پندگویی وجود دارد، از طرف خدا برای او یک حافظ قرار داده شده است. معلوم می‌شود این واعظ نفسانی یا بفرمایید دلسوزی این آدم برای خودش، حافظ او است، می‌تواند او را حفظ کند. چه اندازه می‌تواند او را حفظ کند؟ به اندازه‌ای که آن واعظ قدرت دارد. به اندازه‌ای که دلسوز خودش است. اگر کم دلسوز خودش است، خب کمتر. اگر بیشتر دلسوز خودش است، پس حافظ قوی‌تری دارد. بدون این حافظ نمی‌شود. بدون این واعظ قلبی آدم حرام می‌شود و می‌رود. چرا آدم حرام می‌شود؟ چرا این واعظ را ندارد که حرام می‌شود؟ خودش یک کاری کرده. فقط یک کاری کرده؟ نه. خدمتتان عرض کردم. آدم از اول این واعظ را دارد، بعد از دست می‌دهد. یک روزه از دست می‌دهد؟ نه یک روزه از دست نمی‌دهد. به تکرار، به تکرار بدی می‌کند، جبران نمی‌کند، از دست می‌دهد.

شرح حدیث

آیت‌الله محمدعلی جاودان

آدم، واعظ درونی‌اش را یک‌شبه از دست نمی‌دهد

در یک روایاتی این‌طور بیان شده: «قالَ رسولُ اللّهِ صلّی اللّه علیه و آله و سلم إذا أرادَ اللّهُ بِعَبدٍ خَیراً جَعَلَ لَهُ واعِظاً مِن قَلبِه»؛ وقتی خدای تبارک و تعالی به بنده‌ای اراده خیر کرده باشد، چرا اراده خیر کرده باشد؟ چون او کاری کرده؛ کاری کرده که اراده خیر درباره او دارد به دلسوزی برای خودش رسیده. دلسوزی برای خودش دارد. اگر واعظ نفسانی را نداشته باشد، یعنی دلسوز خودش نیست. ببینید من یک کاری انجام می‌دهم، بعد دارم فکر می‌کنم این کارم درست بود یا نبود. سپس به نتیجه می‌رسم این کارم درست نبود. بعد ناراحت می‌شوم، مدتی غصه می‌خورم. شاید سعی می‌کنم اتفاق افتاده است. بی‌خود نیست. به اصطلاح قدیمی‌ها گنّه‌ای نیست. گناه خدای متعال درمود یک بنده‌ای اراده خیر می‌کند، بی‌خودی نیست، دلیل دارد. «إذا أرادَ اللّهُ بِعَبدٍ خَیراً جَعَلَ لَهُ واعِظاً مِن نَفسِه» اگر خدای متعال درمود بنده‌ای نظر خیر داشته باشد، یک واعظی از درون برای او قرار می‌دهد. هرکسی این واعظ درونی را

دین پژوهی

رجبی دوانی در نشست «علل تعدد همسران پیامبر(ص)» مطرح کرد

اختلاف سنی حضرت رسول(ص) با خدیجه(س) دو سال بوده است

محمدحسین رجبی دوانی، استاد دانشگاه تهران با بیان اینکه پیامبر(ص) برخلاف عرف آن روز عربستان تا ۲۵ سالگی ازدواج نکردند، گفت: ایشان اگر دنبال برخی مقاصدی بودند که دشمنان به ایشان نسبت می‌دهند در سن جوانی ازدواج متعدد می‌کردند که کاملاً مورد پذیرش عرف آن روز بود. ایشان تا ۵۱ سالگی فقط حضرت خدیجه(س) را داشتند و پس از آن، همه ازدواج‌هایشان بر مبنای یک مصلحتی بود.

به گزارش ایکنا، محمدحسین رجبی دوانی، استاد دانشگاه تهران ۱۸ آبان ماه در نشست علمی «علل تعدد همسران پیامبر(ص)» گفت: دشمنان همیشه در پی یافتن مسائلی بودند تا بر ضد اسلام آن استفاده کنند، بنابراین ازدواج‌های متعدد رسول خدا(ص) را به عنوان نقطه ضعف مطرح کرده و آن را در برابر اینکه عیسی(ع) ازدواج نکرد قرار دادند و اینکه پیامبر اسلام در میانسالی هم ازدواج کرده و محدودیتی نداشته است. این در حالی است که اسلام در جامعه‌ای ظهور کرد که مزی برای ازدواج وجود نداشت و هر کسی هر قدر می‌خواست می‌توانست ازدواج کند، ولی اسلام آن را محدود کرد و فرمود اگر مرد بتواند عدالت را بین همسران حتی در بیان عواطف و احساسات رعایت کند می‌تواند تا چهار همسر بگیرد، در غیر این صورت باید به یکی اکتفا کند.

وی افزود: صدور این حکم و نزول آیه مربوط در آغاز مورد قبول مردم آن زمان نبود زیرا برخی حتی تا ۱۰ همسر داشتند و مجبور شدند فقط چهار همسر را نگه دارند و بقیه را رها کنند. پیامبر(ص) تا ۵۱ سالگی هیچ ازدواجی نداشتند در صورتی که به خاطر شرایط اقلیمی شبه جزیره، دختران و پسران زودتر از مناطق دیگر به بلوغ می‌رسیدند و در همان آغاز بلوغ هم ازدواج می‌کردند. در ازدواج با حضرت خدیجه هم، آن بانوی گرامی پیشقدم شدند.

رجبی دوانی بیان کرد: برخی مطرح می‌کنند آن حضرت به علت فقر و نداری تن به ازدواج نداده است ولی این‌طور نیست، ایشان از نجابت و شخصیت فوق‌العاده‌ای برخوردار بود که عموم مردم و حتی کسانی که بعداً در دوره اسلام به دشمنی با ایشان برخاستند به شخصیت والای وی پی برده بودند. ایشان ۶ عمه داشت و همه آن‌ها افتخار می‌کردند دخترانشان را به عقد پیامبر(ص) درآورند ولی آن حضرت برخلاف عرف زمانه که افراد عمدتاً بیش از یک زن داشتند تا ۲۵ سالگی ازدواج نکرد و آن هم اگر حضرت خدیجه(س) پیشنهاد نداده بود شاید باز هم ازدواج نمی‌کردند. در عرب از دیرباز تاکنون چنین رسم بوده که مردان حتی دخترانی می‌گرفتند که از نظر سنی مانند نوه آن‌ها بود و عرب آن روز این مسئله را می‌پذیرفت هرچند آن دختر بی‌میل باشد اما پیامبر(ص) باز برخلاف این عرف، سراغ دختری رفت که از او بزرگ‌تر بود و تا زمانی که خدیجه(س) در قید حیات بود آن وجود مقدس هرگز ازدواج دیگری نکرد و این هم خلاف عرف بود. وی اضافه کرد: پس چیزی که معاندان اسلام می‌خواهند به ساحت قدسی پیامبر(ص) بچسبانند که نعوذبالله آن حضرت هوسباز بود، کاملاً پوچ و نابجاست و اگر آن حضرت می‌خواست باید در جوانی این کار را می‌کرد. نقل مشهوری که از دیرباز در منابع بوده و در کتب درسی آمده این است حضرت خدیجه(س) در هنگام ازدواج با پیامبر(ص) ۴۰ ساله بوده و قبلاً ازدواج کرده و فرزند داشته که این مطلب غلط است. در نقل‌های متعدد سن ۳۹، ۳۳ و ۲۷ سال را برای حضرت خدیجه(س) بیان کرده‌اند ولی نقل ۲۷ سال معتبرتر است یعنی اختلاف سنی این دو بزرگوار دو سال بوده ولی همین مقدار هم خلاف عرف آن زمان است.

■ **حضرت خدیجه(س) قبلاً ازدواج نکرده بود**

استاد دانشگاه تهران گفت: نکته دیگر اینکه بچه‌هایی که به خدیجه(س) نسبت داده شده فرزندان خواهر او بودند که چون خواهرش از دنیا رفته بود، خدیجه(س) سرپرستی آن‌ها را بر عهده گرفته بود. آن بانوی بزرگواری که قرار است حامل سرور بانوان دو عالم باشد معنا ندارد پیش از آن از افراد مشرک باردار شده باشد. در زیارت وارث می‌خوانیم: ای امام حسین(ع) ما شهادت می‌دهیم تو در صلب پاک پدران و رحم مادران بودی «أَشْهَدُ أَنَّکَ کُنْتَ نُوراً فِی الْأَصْلابِ الشّامِخَةِ وَ الارحامِ المطهره» در این صورت آیا می‌توان پذیرفت رحم جده او با مشرکانی آلوده شده باشد؟ در این عبارت صیغه جمع یعنی اصلاب و ارحام به کار رفته، یعنی پدران و مادران و اجداد امام حسین(ع) همه واجد این صفات هستند و اگر مفرد هم بود باز جای تردید وجود نداشت.

رجبی دوانی بیان کرد: ازدواج بعدی پیامبر(ص) هم پس از یک سال تجرد با سوده انجام شد و جالب اینکه سوده خودش در سن ۵۲ سالگی و در حالی که یک سال هم از پیامبر(ص) بزرگ‌تر بود ازدواج و اعلام کرد برای من مسائل زناشویی مطرح نیست و صرفاً قصد محرمیت با پیامبر(ص) و مدیریت خانه او را دارم. پیامبر(ص) ازدواج‌های متعددی کرد که همگی از سن ۵۲ تا ۶۲ سالگی رخ داد و همه آن‌ها از روی حکمت و مصلحت بود؛ آن حضرت اگر آن طور که دشمنان می‌گویند قصد داشت همسران متعدد داشته باشد در سن جوانی این کار را می‌کرد.

پای صحبت خانواده شهید «وحید زمانی‌نیا» که محافظ سردار سلیمانی بود

فرزند ری، مدافع حرم

جلسه اول دیدارمان در خواستگاری در شبستان امام خمینی(ره) بود. من و مادرم، ایشان و مادرشان، دقیقاً همان جایی که الان مزارشان است، از نظر اخلاقی و ظاهری خیلی خوب بودند. همیشه در ذهنم بود چطور می‌شود انسان این‌قدر خوب باشد؟ با اخلاق و با اعتقادات و خیلی هم شوخ.

مهرداد توسط انتشارات شهید کاظمی چاپ شده و یک کتاب دیگر هم توسط خانم زینب مولایی در حال انتشار است که ان‌شاءالله تا سالگرد شهادت ایشان منتشر خواهد شد.

زینب اصغریان | اگر خبرها و گزارش‌های مربوط به شهادت سردار سلیمانی را مرور کنید بدون شک روایت زندگی و شهادت جوان ۲۷ ساله‌ای که به عنوان محافظ سردار دل‌ها در فرودگاه بغداد به شهادت رسید، توجه شما را جلب خواهد کرد.

«وحید زمانی‌نیا» جوان دهه هفتادی است که دوران کودکی خود را مأنوس با حرم سیدالکریم حضرت عبدالعظیم حسنی گذرانده و در کوچه پسکوچه‌های شهرری و در هیئت‌های مذهبی بالید و به دنبال گمشده‌اش راهی سوریه شد. پس از ۲۰ ماه که مدافع حرم بود به عنوان محافظ سردار سلیمانی انتخاب شد.

در همان حین هم ازدواج کرد و دو ماه پس از ازدواجش، در کنار سردار دل‌ها در فرودگاه عراق مورد حمله توروریستی آمریکا قرار گرفت و آسمانی شد تا پیکر پاکش در جوار مضجع مطهر عبدالعظیم حسنی(ع) آرام بگیرد.

■ **از تولد، دوران کودکی و جوانی آقا وحید بگویید.**

پدر شهید: آقا وحید از همان کودکی مقید به هیئت‌های مذهبی بود. مقید به نماز اول وقت و روزه و مسائل دینی؛ خب خیلی هم معتقد به ولایت و علاقه‌مند به رهبر انقلاب.

همزمان دانشگاه امام حسین(ع) و یک دانشگاه دیگر را انتخاب کرده بود اما در نهایت به دانشگاه امام حسین(ع) رفت. بعد هم برای سپاه قدس گزینش شد. سال ۹۴ در واقع ایشان وارد سپاه شد. دوره‌های آموزشی را که تمام کرد راهی سوریه شد و درعملیات آزادسازی حلب شرکت کرد.

بسیار منضبط و خیلی اهل احترام بود به‌خصوص احترام به من و مادرش برایش خیلی اهمیت داشت.

■ **فکر می‌کنید محیط زندگی و محله ری چقدر روی تربیت آقا وحید اثرگذار بود؟**

آقا وحید با دو برادر بزرگ‌ترش رفیق بود. دوستانی که داشت هم از جنس خودش بودند. با هم هیئت یا بهشت زهرا(س) می‌رفتند. زمانی هم که مدرسه می‌رفت، سرگرمی اش باشگاه تکواندویی بود که آنجا ثبت‌نام کرده بود.

ایشان ارادت خاصی هم به حضرت عبدالعظیم داشت. از مأموریت که برمی‌گشت، در اغلب نمازهای جماعت مسجد محله شرکت می‌کرد و در اولین فرصت هم برای زیارت مشرف می‌شد به حرم.

■ **از قضیه انتخاب ایشان به عنوان محافظ حاج قاسم خبر دارید؟ چند سال محافظ بودند؟**

پس از آزادی حلب ایشان محافظ سفیر ایران در سوریه شد. احتمال می‌دهم حاج قاسم که به سفارت رفت و آمد می‌کرد ایشان را به‌عنوان محافظ خود انتخاب کردند. تقریباً به مدت ۲۰ ماه محافظ سردار سلیمانی بود.

■ **روابط آقا وحید با سردار در چه حدی بود؟**

البته آقا وحید اصلاً به ما نگفته بود محافظ شده. هیچ وقت در خانه درباره شرایط کاری حرف نمی‌زد. پس از چند ماه مادرش سؤال می‌کند: تو چرا ساعت کارت نامشخص است؟ ایشان می‌گوید: هرزمان حاجی بخواهد من باید بروم، مادرش می‌پرسد: کدام حاجی؟ پاسخ می‌دهد: من با حاج قاسم کار می‌کنم. فقط همین قدر. تمایل نداشت در این باره بیشتر حرف بزند.

■ **ویژگی شاخص آقا وحید چه بود؟**

از همه مهم‌تر اخلاق خوبش بود. خیلی خوش برخورد و اهل بگو بخند و در عین حال احترام به کوچک و بزرگ. دینداری و علاقه‌مندی به اهل بیت(ع) و حرم را هم که گفتم.

■ **خبر شهادت چطور به شما رسید و چه ساعتی فهمیدید؟**

جمعه صبح ۱۳ دی یکی از دوستان آقا وحید با ما تماس گرفته و سراغ ایشان را گرفت. می‌دانستیم مأموریت رفته ولی خبر نداشتیم کجا... خبر نداشتیم به شهادت رسیده. یک لحظه تلویزیون را روشن کردیم شبکه خبر، عکس حاج قاسم را با نوار مشکی زده که سردار دل‌ها آسمانی شد. همان لحظه احتمال دادیم آقا وحید هم به فیض شهادت رسیده باشد. برادر آقا وحید ساعت ۴ صبح از طریق نیروی قدس خبردار شده بود ولی ایشان دلشان نمی‌آمد به ما اطلاع بدهد.

■ **ظاهراً یک خبریه هم به اسم «شهید زمانی‌نیا» فعالیت دارد. از برکات شهادت ایشان است؟**

بله ،دو گروه جهادی هستند. یک گروه جهادی در تهران و یک گروه دیگر هم در ساوه؛ چون مادر ایشان اهل ساوه هستند. هر دو هم فعالیت دارند، به افراد بی‌بضاعت کمک‌های معیشتی می‌کنند، افرادشان هم از اقوام نیستند و فقط نیروهای جهادی هستند.

■ **کتابی هم درباره ایشان چاپ شده؟**

کتاب ۱۰۰ صفحه‌ای با عنوان «من محافظ حاج قاسم» توسط انتشارات شهید کاظمی چاپ شده و یک کتاب دیگر هم توسط خانم زینب مولایی در حال انتشار است که ان‌شاءالله تا سالگرد شهادت ایشان منتشر خواهد شد.

■ **جریان خاکسپاری ایشان در حرم عبدالعظیم را تعریف می‌کنید؟**

این مسئله قضیه‌ای دارد. شهید بزرگوار را که به مشهد بردند همان شب از آستان حضرت عبدالعظیم به منزل ما رفتند و گفتند هر کجای حرم بخواهید می‌توانید ایشان را دفن کنید. ما مخالفت کردیم. گفتیم دو قبر در بهشت زهرا یکی کنار یکی از دوستانشان به نام شهید روح الله قربانی و قبر دیگر در کنار یکی دیگر از شهدا درنظر گرفته شده. آن‌ها گفتند: به هر حال برای شما هیچ محدودیت و معذوریتی نیست و به استثنای داخل ضریح هرکجا که تمایل دارید بفرمایید ما برای ایشان مزار تهیه کنیم. فردا شب هم دوباره مسئولان آستان حضرت عبدالعظیم آمدند و اصرار کردند حتماً داخل حرم مدفون شوند. ساعت ۲،۵ شب مادرشان به اتفاق دو تن از برادرانش جایی را در شبستان امام خمینی(ره) در نظر گرفتند. صبح ساعت ۷ جهیز آماده شده بود. صبح روز بعد تشییع پیکر شهید از سمت سپاه سیدالشهدای شهر ری تا حرم روی دستان مردم شهیدپرور برگزار شد.

■ **فکر می‌کنید نقش ارادت به اهل بیت(ع) در تربیت چنین فرزندی چه بود؟**

مادر شهید: آقا وحید در کودکی مداح هیئت کودکان و عاشق اهل بیت(ع) بود. بزرگ هم که شد یکسره حرم شاه عبدالعظیم می‌رفت. اصلاً احتیاج نبود برای نمازش تذکر بدهم، خودش می‌خواند. عاشق نماز و روزه بود. درزمینه احترام به پدر و مادرش هم واقعاً یک بود.

ما فقط توجه کردیم لقمه حلال به فرزندمان بدهیم. کم بود اما همان لقمه‌ای هم که می‌دادیم حلال بود. من آن زمان گرفتار بودم و کنار تربیت بچه، به پدر شوهر و مادرشوهرم رسیدگی می‌کردم.

در تربیتش خیلی دقت می‌کردم... خدا را شکر توانستم بچه‌ها را به خوبی بزرگ کنم.

■ **درباره فرزندتان دیگر چه دارید که بگویید؟**

آقا وحید بسیار منظم و مرتب بود. مال و منالی نداشت. نه خانه نه ماشین، هیچی نداشت. اما جالب است وقتی نخستین حقوقش را گرفت، برای خودش سال خمسی تعیین کرد.

جانباز شیمیایی هم بود. وقتی در حلب بود ریه‌هایش آسیب دیده بود. همیشه حالت سرماخوردگی داشت اما به ما می‌گفت حساسیت فصلی است! مدتی پیش از شهادتش نزد دکتری در اصفهان رفت. وقتی برگشت گفت چیزی نیست فقط دکتر ورزشت را بیشتر کن.

۴۰ درصد جانبازی را به ما نگفته بود. بعدها به برادرش گفته بود و روز شهادتش برادرش تازه به ما گفت نزدیک ۴۰ درصد جانبازی داشته است.

■ **معیارهایتان برای ازدواج با آقا وحید چه بود؟ پیش از ازدواج شده بود خود را به عنوان همسر شهید تصور کرده باشید؟**

همسر شهید: ایمان، اخلاق و اعتقادات همسرم برایم خیلی مهم بود. ظاهر و شغل هم برایم اهمیت داشت. البته خیلی برایم مهم بود این شغل چه باشد. تمایل داشتم همسرم پاسدار باشد اما فکر نمی‌کردم این شغل این‌قدر همراه با سختی و دشواری باشد. وقتی ایشان را انتخاب کردم حتی یک درصد فکر نمی‌کردم همسر شهید باشم. جلسه اول دیدارمان در خواستگاری در شبستان امام خمینی(ره) بود. من و مادرم، ایشان و مادرشان. دقیقاً همان جایی که الان مزارشان است. از نظر اخلاقی و ظاهری خیلی خوب بودند. همیشه در ذهنم بود چطور می‌شود انسان این‌قدر خوب باشد؟ با اخلاق و با اعتقادات و خیلی هم شوخ.

■ **از ارادت ایشان به حضرت سیدالکریم(ع) بگویید.**

بسیار به حضرت سیدالکریم(ع) ارادت داشتند. گاهی که ظهرها نماز را در بهشت زهرا می‌خواندند، نماز مغرب و عشا خودشان را می‌رساندند حرم عبدالعظیم. در یکی از فرم‌هایی که پر کرده بودند نوشته بودند دوست دارم محل تدفینم در حرم حضرت عبدالعظیم حسنی باشد.

■ **آخر مصاحبه است، نکته و حرفی دارید؟**

در دیداری که با رهبر معظم انقلاب داشتیم ایشان گفتند احتمالاً حاج قاسم ایشان را در سوریه انتخاب کرده است. حاج قاسم همه محافظانشان را خودشان انتخاب کردند. متأسفانه هیچ وقت دیدار با حاج قاسم برایم فراهم نشد اما همسرم می‌گفتند حاج قاسم همیشه به‌خاطر زحمات همسران شهدا تشکر و عذرخواهی می‌کردند.

خدا را شکر می‌کنم در کنار انسان آسمانی و بهشتی زندگی کردم، هرچند دوران زندگی مشترکمان خیلی محدود بود اما خدا را شاکرم.

اگر بخواهم صحبت پایانی داشته باشم اینکه شما خیال نکنید با شهادت حاج قاسم همه چیز به پایان رسیده است. هیچ وقت این اتفاق نمی‌افتد. به فرموده امام، ما را بکشید ملت ما بیدارتر می‌شود. الان حاج قاسم یک قهرمان است همه جهان درباره حاج قاسم صحبت می‌کنند. این را هم بگویم مردم ایران خیلی مهربان‌اند. برای اسلام شهید دادماند. تشکر می‌کنم در تشییع با شکوه سنگ تمام گذاشتند و موجب دلگرمی ما بودند.

خانواده

«آوای زندگی» جشنواره‌ای برای تحکیم خانواده

جشنواره آوای زندگی به همت بنیاد ملی خانواده در سطح ملی و استانی و با رویکرد حمایت و تحکیم خانواده و ترویج سبک زندگی آغاز به کار کرد. این جشنواره مختص علما، امامان جماعت و کارگزاران مساجد و بقاع متبرکه است.

به گزارش تسنیم، جشنواره آوای زندگی از ۱۷ آبان در شورای عالی انقلاب فرهنگی و با حضور مجموعه‌های مردمی در سطح ملی و استانی و با رویکرد حمایت و تحکیم خانواده آغاز به کار کرده است.

رضا رؤیت، مدیر عامل بنیاد ملی خانواده، در خصوص هدف از برگزاری این جشنواره تصریح کرد: کارگروه ترویج ازدواج و کاهش طلاق و بنیاد ملی خانواده با مشارکت دستگاه‌های متولی برای فراهم کردن بستر لازم در هم‌افزایی یافته‌های علمی و تجارب سازمانی توسط اشخاص حقیقی و حقوقی به‌ویژه سازمان‌های مردم‌نهاد و گروه‌های مردمی، قصد دارد ضمن شناسایی و ساماندهی داشته‌ها و یافته‌های موجود در کشور، زمینه‌های یکپارچگی و فراگیری اقدامات علمی و اجرایی در حوزه خانواده را در نزدیک‌ترین نقطه تماس با مردم فراهم کند.

این رویکرد موجب شده نگاه‌های امیدوارانه‌ای به سوی مسجد به عنوان یکی از برجسته‌ترین پایگاه‌های محلی و مردمی با پیشینه موفق در فعالیت‌های اجتماعی و خیرخواهانه جلب شود.

چراکه بی‌شک فعالیت فرهنگی در عرصه خانواده زمانی می‌تواند به طور هدفمند و رو به رشد استمرار پیدا کند که بر بستر مجموعه‌های مردمی و خیرخواه با استقلال مالی و خودکفا بدون وابستگی به نهادها و سازمان‌های دولتی سامان یافته و حیات خود را با یاری گرفتن از مردمی که درزمینه آینده جامعه و فرزندانشان دغدغه‌های دینی و انسانی دارند، پایدار کند.

با چنین نگاهی بنیاد ملی خانواده با رویکرد حمایت و تحکیم خانواده، جشنواره «آوای زندگی» را اجرا کرده تا مجموعه مساجد و بقاع متبرکه را در قالب آن دور هم جمع و آن‌هایی را که در حوزه خانواده فعال و توانمند هستند معرفی کند.

به گفته مدیرعامل بنیاد ملی خانواده، جشنواره آوای زندگی مختص علما، امامان جماعت و کارگزاران مساجد و بقاع متبرکه بوده و هر محصولی که برای تشکیل ازدواج اعم از تهیه جهیزیه، تحکیم و حمایت از خانواده تولید کرده باشند می‌تواند در جشنواره شرکت داده شود.

جشنواره همچنین در سه دسته بقاع متبرکه، مساجد روستایی و شهری برگزار می‌شود و در هشت محور ذیل محور کلی خانواده که مسائلی از قبیل تشکیل، تحکیم و فرزندآوری را پوشش می‌دهد ارزیابی و داوری خواهد شد و به برترین‌های کارگزاران مساجد جوایزی اهدا می‌شود.

چهل حدیث

انسان، میدان جنگ است

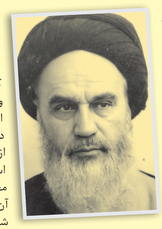

امام خمینی(ره) به عنوان معمار کبیر انقلاب، خود استاد اخلاقی ورزیده و تمام عیار بود. شاگردی استاد برجسته عرفان، آیت‌الله شاه‌آبادی و علاقه و توجه همزمان به فلسفه، تفسیر، اخلاق و عرفان موجب شده بود مباحث مطرح شده توسط امام(ره) عمق بیشتری داشته باشد و جذابیت بیشتری پیدا کند. در این ستون قرار است هر روز خلاصه یک حدیث از کتاب «چهل حدیث» امام (ره) را پیش روی شما بگذاریم.

منزل اول

امام(ره) در ابتدای بحث خود، مقدمه‌ای را ذکر می‌کنند که انسان دارای دو عالم است؛ عالم دنیوی که همان بدن او و عالم غیبی و ملکوتی که منشأ نفس او است و مراتبی دارد. هر کدام از این‌ها دارای لشکر و سپاهی است؛ سپاه عقلانی –رحمانی و سپاه شیطانی با لشکریان جهل.

و انسان میدان جنگ این دو طایفه است: اگر جنود رحمانی غالب شد، انسان اهل سعادت و رحمت است و اگر جنود شیطانی و لشکر جهل غالب آمد، انسان جزء اهل شقاوت و غضب است.

پس جهاد نفس که جهاد بزرگ و از کشته شدن در راه حق تعالی بالاتر است، در این مقام عبارت است از غلبه کردن انسان بر قوای ظاهره خود و آن‌ها را در تحت فرمان خالق قرار دادن. بدان که اول شرط مجاهده با نفس و حرکت به جانب حق تعالی «تفکر» است. تفکر در این مقام عبارت است از آنکه انسان دست‌کم در هر شب و روزی مقداری فکر کند در اینکه مولای ما که ما را در این دنیا آورده و تمام اسباب آسایش و راحتی را برایمان فراهم کرده، وظیفه ما با این مولای مالک الملوک چیست؟ آیا تمام این بساط فقط برای همین حیات حیوانی اداره کردن شهوت است که با تمام حیوانات شریک هستیم، یا مقصود دیگری در کار است؟ آیا انبیای کرام و اولیای معظم و حکمای بزرگ و علمای هر ملت که مردم را به قانون عقل و شرع دعوت می‌کردند برای آن‌ها دشمنی داشتند؟

اگر انسان عاقل لحظه‌ای فکر کند می‌فهمد مقصود از این بساط چیز دیگر است و منظور از این خلقت، عالم بالا و بزرگ‌تری است و انسان عاقل باید در فکر خودش باشد و به حال بیچارگی خودش رحم کند و با خود خطاب کند: ای نفس شقی که سال‌های دراز عمر خود را در پی شهوات صرف کردی، خوب است قدری به حال خود رحم کنی، از مالک‌الملوک حیا کنی.

منزل دوم

منزل دیگر که پس از تفکر برای انسان مجاهد پیش می‌آید، منزل «عزم» است که عبارت است از بناگذاری و تصمیم بر ترک معاصی و انجام واجبات و جبران آنچه در ایام حیات از او فوت شده.

از اموری که برای مجاهد لازم است، مشارطه و مراقبه و محاسبه است. «مشارطه» آن است در اول روز مثلاً با خود شرط کند امروز برخلاف فرموده خداوند تبارک و تعالی رفتار نکند.

پس از این مشارطه، باید وارد «مراقبه» شوی و آن، چنان است که در تمام مدت شرط متوجه عمل به آن باشی و خود را به عمل کردن به آن ملزم بدانی. اگر خدای نخواسته در دلت افتاد امری را مرتکب شوی که خلاف فرموده خداست، بدان این از شیطان و جنود اوست به آن‌ها لعنت کن و از شر آن‌ها به خداوند پناه ببر و به همین حال باشی تا شب که موقع «محاسبه» است. محاسبه عبارت است از اینکه حساب نفس را بکشی در شرطی که با خدای خود کردی آیا به‌جا آورده‌ی و در این معامله جزئی با ولی‌نعمت خود خیانت نکردی؟

... و اما تذکر

از اموری که انسان را معاونت کامل می‌نماید، «تذکر» است و آن عبارت است از یاد خدای تعالی و نعمت‌هایی که به انسان مرحمت فرموده. باید به کسی که به انسان نعمتی داد احترام گذاشت و معلوم است هر چه نعمت بزرگ‌تر و منعم در آن انعام بی‌غرض‌تر باشد، احترامش در نظر فطرت لازم‌تر و بیشتر است. مثلاً اگر دکتری شما را از کوری نجات داد فطرتاً او را احترام می‌کنید و اگر از مرگ نجات داد بیشتر احترام می‌کنید.

این هوایی که شب و روز از آن استفاده می‌کنیم و حیات ما و همه موجودات محیط بسته به وجود آن است -که اگر یک ربع ساعت نباشد هیچ حیوانی زنده نمی‌ماند- چه نعمت بزرگی است. و نیز از اموری که در فطرت ثبت و مسطور است احترام شخص بزرگ و عظیم است. پس ای عزیز، متذکر عظمت خدای خودت باش و متذکر نعمت‌ها و مرحمت‌های او شو و مملکت خود را مملکت رحمانی و حقانی کن.

و باز تذکر دهم در هر حال به خود امیدی نداشته باش که از غیر خدای تعالی از کسی کاری برنمی‌آید و از خود حق تعالی با تضرع و زاری توفیق بخواه که تو را در این مجاهده اعانت فرماید تا بلکه ان‌شاءالله غالب آیی.

وصول به خداوند عزوجل سفری است که جز با عبادت در شب حاصل نشود.

برش

خبر شهادت

جمعه صبح ۱۳ دی یکی از دوستان آقا وحید با ما تماس گرفته و سراغ ایشان را گرفت. می‌دانستیم مأموریت رفته ولی خبر نداشتیم کجا... خبر نداشتیم به شهادت رسیده. یک لحظه تلویزیون را روشن کردیم شبکه خبر. عکس حاج قاسم را با نوار مشکی زده که سردار دل‌ها آسمانی شد. همان لحظه احتمال دادیم آقا وحید هم به فیض شهادت رسیده باشد. برادر آقا وحید ساعت ۴ صبح از طریق نیروی قدس خبردار شده بود ولی ایشان دلشان نمی‌آمد به ما اطلاع بدهد.

برش

حالت سرماخوردگی!

جانباز شیمیایی هم بود. وقتی در حلب بود ریه‌هایش آسیب دیده بود. همیشه حالت سرماخوردگی داشت اما به ما می‌گفت حساسیت فصلی است! مدتی پیش از شهادتش نزد دکتری در اصفهان رفت. وقتی برگشت گفت چیزی نیست فقط دکتر گفت ورزشت را بیشتر کن.

۴۰ درصد جانبازی را به ما نگفته بود. بعدها به برادرش گفته بود و روز شهادتش برادرش تازه به ما گفت نزدیک ۴۰ درصد جانبازی داشته است.

ادیان

در نشست «نقش جوامع مذهبی در مسئولیت پذیری اعضای جامعه» مطرح شد

گفت‌وگوهای بین‌مذهبی می‌تواند به بهبود شرایط کمک کند

نشست نمایندگان ادیان مختلف در شهر هایلبرون آلمان با موضوع «نقش جوامع مذهبی در مسئولیت‌پذیری اعضای جامعه» برگزار شد.

به گزارش مهر به نقل از شبکه خبری جنوب غربی آلمان، نشست نمایندگان ادیان مختلف در شهر هایلبرون آلمان پس از یک‌سال وقفه با موضوع «نقش جوامع مذهبی در مسئولیت‌پذیری اعضای جامعه» برگزار شد. این نشست با هدف توسعه گفت‌وگوی بین‌مذهبی، دوبار در سال در آلمان برگزار می‌شود، این در حالی است که سال گذشته به دلیل گسترش بیماری کرونا برگزاری نشست لغو شده بود. در این دوره، تقریباً همه اعضا به هایلبرون آمده بودند تا در مورد موضوع «نقش جوامع مذهبی در مسئولیت‌پذیری اعضای جامعه» به گفت‌وگو بپردازند.

سازمان‌های اسلامی در آلمان با چالش‌های بیشتری روبه‌رو هستند. به طور مثال، در سال‌های اخیر، ساخت مسجد در شهر هایلبرون با مشکل روبه‌رو بوده و یا در کلن، مسلمانان مدت‌ها تلاش کردند تا صدای اذان از مسجد پخش شود.

به نظر می‌رسد سیاست واحدی در این باره در شهرهای مختلف آلمان وجود ندارد. از این‌رو، احمد آیمر

التقوی باب کل توبة و راس کل حکمة و شرف کل عمل بالتقوی فاز من فاز من المتقین

پرهیزکاری سرآغاز هر توبه، راز هر حکمت و شرف و بزرگی هر عملی است، و هر که از با تقوایان کامیاب گشته به وسیله تقوا کامیاب شده است.

خبر امروز

افتتاح نمایشگاه «در پرتو هفت رنگ»

با مشارکت میراث فرهنگی و همکاری خانه ملك نمایشگاه کاشی «در پرتو هفت رنگ» اثر استاد ابوالقاسم صادقی در نگارخانه رضوان موزه مرکزی آستان قدس رضوی به نمایش گذاشته شد.
استاد ابوالقاسم صادقی در حاشیه مراسم افتتاح، این نمایشگاه را نتیجه تجربیات ۳۰ ساله خود در هنر کاشی‌کاری عنوان کرد.
وی که در گذشته به عنوان هنرمند کاشیکار در آستان قدس رضوی مشغول به کار بوده است، گفت: امیدوارم با توسعه فعالیت‌ها نمایشگاه‌های متعددی را در سال‌های آینده برگزار کنم. شمسه و کتیبه علی بن موسی الرضا(ع) به خط ثلث، نقاشی قهوه‌خانه‌ای با موضوع شهادت حضرت علی‌اکبر(ع)، نقاشی گل و بوته ایرانی، نقاشی گل و مرغ ایرانی، نقاشیخط نستعلیق، کتیبه حدیث امام رضا(ع) و نقوش هندسی و... از جمله آثار هنری این هنرمند بود که در نمایشگاه در معرض دید عموم قرار گرفت.
نمایشگاه در پرتو هفت رنگ تا ۳ آذرماه ۱۴۰۰ از ساعت ۸ الی ۱۷ برای بازدید علاقه‌مندان دایر خواهد بود.

وقف و نذر

اهدای کتاب به مرکز حمایت از کودکان کار

مؤسسه کتابخانه و موزه ملی ملک، مجموعه‌ای از کتاب‌های اهدایی را در مسیر اجرای مرحله دوم طرح «مهر علوی، دانش رضوی» به پنج مرکز کم‌برخوردار و نیازمند کتاب در کشور اهدا کرد.
این مجموعه اهدایی، کتاب‌های کودک و نوجوان و کمک‌درسی را در برمی‌گیرد و به یک مرکز حمایت از کودکان کار در شهرستان بم استان کرمان، سازمان دانش‌آموزی در شهرستان فامنین استان همدان و... ارسال شده است.
طرح «مهر علوی، دانش رضوی» با هدف شناسایی، ارتباط فرهنگی و اهدای کتاب و منابع اطلاعاتی به کتابخانه‌ها و نهادهای فرهنگی در مناطق کم‌برخوردار کشور از عید غدیر در تابستان ۱۴۰۰ آغاز شده است.

رئیس بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی تشریح کرد

رویکرد علمی برای تحقق «زیارت متعالی»

فارس

گزیده

با توجه به قداست و جایگاه ویژه زیارت و تجارب و نتایج اثربخش و ارزنده‌ای که در موضوع زائر و زیارت وجود دارد، آستان قدس رضوی از این طریق ظرفیت بالایی برای تمدن‌سازی و ترویج و تبلیغ فرهنگ غنی و متعالی اسلامی و همچنین ارزش‌های ملی و انقلابی دارد. آستان قدس باید یک هویت واسطه‌ای برای خود ترسیم کند تا بتواند فرهنگ و معارف اصیل اسلامی و انقلابی و به‌خصوص معارف و آموزه‌های رضوی را از طریق موضوع زائر و زیارت و آثار مربوط به آن در دسترس جهانیان قرار دهد.

محمد حسین مروج کاشانی

توجه ویژه به موضوع زیارت متعالی، نگاه به جهانی‌سازی فعالیت‌های بنیاد پژوهش‌های اسلامی، تمرکز بر حوزه آینده‌پژوهی، ارائه پاسخ مناسب به همه نیازها در آستان قدس رضوی، ترسیم برنامه سه‌ساله فعالیت‌ها در چارچوب سند سیاست‌های کلان آستان قدس و همچنین نگاه تحولی به برنامه‌ها و فعالیت‌ها از جمله موضوعاتی است که در بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی مورد توجه قرار دارد.
به مناسبت سالروز تأسیس بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی با دکتر «احد فرامرز قراملکی» رئیس این بنیاد به گفت‌وگو نشسته‌ایم.

■ **شاید نخستین پرسش مهم این باشد که بپرسیم چرا آستان قدس رضوی به حوزه پژوهش ورود کرده و بنیادی را برای پژوهش‌های اسلامی تأسیس کرده است؟**

آستان قدس رضوی به دلیل گستردگی و اهمیت رسالت خود و تنوع و گستردگی فعالیت‌هایش، همواره نیازمند انجام پژوهش‌های مختلف است. پژوهش در شناخت و تحقق رسالت معرفتی آستان قدس یک جنبه از این نیاز پژوهشی است، یعنی آستان قدس در ترویج فرهنگ و معارف اهل بیت عصمت و طهارت(ع) به خصوص معارف رضوی یک رسالت استانی، ملی و جهانی دارد.
همان طور که وجود مقدس امام رضا(ع) فرمودند: «اگر مردم از محاسن و زیبایی‌های سخنان و کلام ما آگاه شوند از ما تبعیت و پیروی می‌کنند»، بنابراین آستان قدس برای رساندن معارف امام هشتم(ع) به گوش جهانیان، نیازمند انجام پژوهش‌های نظام‌مند، به‌روز و مستمر است.
از طرف دیگر آستان قدس رضوی به عنوان یک نهاد و مجموعه سازمانی بزرگ، برای مدیریت درونی خود نیازمند سلامت، صلابت و سرآمدی است و در ارتقای کیفیت انجام مأموریت‌های خود هم نیاز مداوم به شناخت به‌روز مسائل و تشخیص مسائل حرفه‌ای و حل اثربخش آن‌ها دارد.
مثلاً یکی از موارد و مسائل مهم در آستان قدس رضوی، حوزه تبلیغات اسلامی و دینی است و موفقیت در امر تبلیغ، نیازمند پژوهش‌هایی است تا روی کارآمدترین، شیواترین و اثربخش‌ترین شیوه‌های تبلیغ تحقیق کند و در اختیار مبلغان قرار دهد. به همین دلیل است که «آینده‌پژوهی» برای همه سازمان‌ها و به‌خصوص برای مجموعه آستان قدس رضوی اهمیت بسزایی دارد.

■ **فعالیت‌های پژوهشی آستان قدس رضوی در زمینه «زائر و زیارت» چگونه می‌تواند در اثرگذاری فرهنگی این نهاد مقدس در کشور و جهان اسلام ثمربخش باشد؟**

زیارت به عنوان یک محور اساسی و فراتر از مرزهای جغرافیایی، قومیت‌ها، ملیت‌ها، زبان‌ها، نژادها و... در سبک زندگی مسلمانان و مؤمنان وجود داشته و تأثیرگذار است. از طریق زیارت، مؤمنان و مسلمانان با اماکن متبرکه مذهبی و از جمله آستان قدس رضوی مرتبط هستند.
با توجه به قداست و جایگاه ویژه زیارت و تجارب و نتایج اثربخش و ارزنده‌ای که در موضوع زائر و زیارت وجود دارد، آستان قدس رضوی از این طریق ظرفیت بالایی برای تمدن‌سازی و ترویج و تبلیغ فرهنگ غنی و متعالی اسلامی و همچنین ارزش‌های ملی و انقلابی دارد.
آستان قدس باید یک هویت واسطه‌ای برای خود ترسیم کند تا بتواند فرهنگ و معارف اصیل اسلامی و انقلابی و به‌خصوص معارف و آموزه‌های رضوی را از طریق موضوع زائر و زیارت و آثار مربوط به آن در دسترس جهانیان قرار دهد.
در همین زمینه باید اشاره کنم در مناسبت‌های مختلف دینی، مذهبی و ملی شاید روزانه تا دو و نیم میلیون زائر به بارگاه مطهر رضوی مشرف می‌شوند و این تعداد در سال گاهی تا ۳۰ میلیون زائر هم می‌رسد. این زائران در هنگام حضور در حرم مطهر امام هشتم(ع) علاوه بر بهره‌مندی از فیض زیارت که به عنوان بهره‌های لحظه‌ای، معنوی و تجربه دینی بدست می‌آورند، می‌توانند بسته‌های فرهنگی و مذهبی حاصل از این تجربه ارزشمند دینی و زیارتی را با خود به اقصی نقاط کشور و جهان اسلام ببرند. البته مراد و منظور از این بسته‌های فرهنگی و مذهبی، کتاب و پوستر و نشریه و محصولات فرهنگی و الکترونیکی و... نیست، بلکه منظور رهاوردهای علمی و پژوهشی است که می‌تواند توسط بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی تولید شده و در اختیار زائران، محققان و پژوهشگران قرار گیرد.

■ **برای تحقق اصول و سیاست‌های علمی و پژوهشی تعیین شده در سند سیاست‌های کلان آستان قدس رضوی چه برنامه‌ها و تدابیری اندیشیده شده است؟**

ابلاغ سند سیاست‌های کلان آستان قدس رضوی از سوی تولیت معزز، نقطه عطفی برای راهبری فعالیت‌های مجموعه آستان قدس است. در نخستین گام، سیاست‌های این سند به منظور آشنایی پژوهشگران و کارکنان بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ابلاغ و تبیین شد. ضمن اینکه تمام فعالیت‌ها و رویکردهای این بنیاد به طور انحصاری در چارچوب سیاست‌های ابلاغی در این سند کلان انجام خواهد شد.
گام بعدی، تهیه برنامه سه‌ساله فعالیت‌های بنیاد است که باید در مدت دو ماه تهیه و تدوین شود. این برنامه به‌صورت تعاملی بین روش گفت‌وگوی «بارشی» و «رویشی» از سوی بنیاد تدوین شده است؛ روش بارشی مربوط به تدوین برنامه توسط مدیران ارشد بنیاد و به خصوص معاونت طرح و برنامه است. روش رویشی مخصوص بدنه کارکنان و پژوهشگران بنیاد است.
ما بین این دو حوزه تعاملی برقرار کردیم تا برنامه سه‌ساله فعالیت‌های بنیاد تدوین شود. خود این برنامه هم شامل دو بخش است؛ بخش اول مربوط به ادامه و اتمام برنامه‌های ناتمام قبلی که مربوط به دوران گذشته و در چند مورد خاص است، بخش دوم هم مربوط به تلاش و همت برای تحقق سیاست‌های تعیین شده در سند بوده و با این رویکرد و ریل‌گذاری، تمامی فعالیت‌های بنیاد پژوهش‌های اسلامی در چارچوب سند سیاست‌های کلان آستان قدس انجام خواهد شد.
یکی از مهم‌ترین راهبردها در بنیاد پژوهش‌های اسلامی، «تحول» است. رویکرد تحولی یعنی جهشی برای گذار از وضعیت «موجود» به وضعیت «مطلوب». وضعیت موجود ممکن است خوب باشد اما وضعیت مطلوب، حالت «عالی» است و باید برای رسیدن به آن برنامه‌ریزی و تلاش کرد. این همان رویکرد تحولی است که مورد توجه قرار گرفته است.
مثلاً ما در پژوهش‌های مربوط به «سادات» و «مزارات» به مرجعیت ملی و کشوری رسیده‌ایم به گونه‌ای که هم اکنون، نظرات علمی و کارشناسی این بنیاد در زمینه سادات بودن افراد به عنوان یک مرجع علمی قابل قبول و کارشناسی شده، مورد پذیرش مراجع عظام تقلید، ائمه بزرگوار جمعه و حتی مراجع قضایی قرار گرفته است.
این یک وضعیت موجود خوب است، اما رویکرد تحولی یعنی رسیدن از این حالت به حالت مطلوب و عالی، یعنی رسیدن به مرجعیت جهانی و بین‌المللی در این مورد و موارد مشابه. راهبرد بعدی، بازنگری عملکردها و ریل‌گذاری مناسب برای رفع نقایص موجود و حرکت به سمت سیاست‌های ابلاغی در سند است.

■ **درباره تحقق زیارت متعالی چه اقدام‌هایی انجام شده است؟**

یکی دیگر از راهبردهای مهم و مورد نظر، تلاش برای تحقق «زیارت متعالی» است که به عنوان یکی از اهداف مهم و رسالت آستان قدس رضوی تعیین شده است. تحقق زیارت متعالی، جنبه‌های مختلفی دارد که در بنیاد پژوهش‌ها به آن توجه شده است، موارد و پروژه‌هایی مانند «اخلاق بازرسی» ویژه برادران و خواهران مستقر در مبادی ورودی و گیت‌های بازرسی زائران هنگام ورود به حرم مطهر امام رضا(ع).
مورد بعدی فراهم شدن امکان چاپ کتابی با عنوان «خدمت تراز» ویژه خادمان بارگاه مطهر امام رضا(ع) است که بیان‌کننده نحوه تأثیرگذاری رفتار، گفتار و چگونگی ارائه خدمت خادمان روی زائران در راستای رسیدن به زیارت متعالی است و ان‌شاءالله این کتاب به زودی در هفته‌های آینده چاپ و منتشر خواهد شد. تشکیل «اتاق اندیشه‌ورز» با عنوان «عفاف و حجاب» برای ایجاد تحول و ارتقای سطح رعایت ادب زائران در هنگام ورود به حرم مطهر از دیگر موارد و موضوعات مرتبط با زیارت متعالی است که در حال اجراست تا زائران بهتر و بیشتر بتوانند از معنویات و فیوضات حضور در محضر ولی خدا و امام معصوم بهره‌مند شوند. موارد دیگر از جمله «آداب و اخلاق زیارت»، «تحلیل و شرح کتاب‌های زیارت»، «بررسی مقایسه‌ای زیارت در اسلام، مسیحیت، یهود و زرتشت» و... نمونه‌هایی از پروژه‌های در دست انجام برای تحلیل مفهوم زیارت، تحقق زیارت متعالی و همچنین نائل شدن زائران به معنویات و فیوضات حاصل از زیارت است. همچنین پاسخگو بودن به همه نیازهای اساسی در خود مجموعه آستان قدس رضوی، استفاده از ظرفیت‌های علمی و پژوهشی استان خراسان رضوی مانند دانشگاه فردوسی و حوزه علمیه خراسان، استفاده از ظرفیت‌های علمی و پژوهشی ملی و فراملی، همکاری با دانشمندان، فرهیختگان و پژوهشگران سراسر کشور و جهان اسلام، تقویت جایگاه علمی آستان قدس و معرفی آن با حضور در نمایشگاه‌ها، همایش‌ها و کنفرانس‌های بین‌المللی، جهانی‌سازی فعالیت‌های بنیاد پژوهش‌ها در چارچوب سند سیاست‌های کلان آستان قدس رضوی نیز از جمله افق‌ها و رویکردهای پیش روی این مجموعه علمی و پژوهشی است.

آگهی افراز

نظر به درخواست آقایان امید نقیبی تربتی و حمید افشاریان بعنوان مالکین مشاعی پلاک ۲۱۳۱ فرعی از ۹۳- اصلی بخش شش مشهد نماینده و نقشه‌بردار این اداره در روز یکشنبه تاریخ ۱۴۰۰/۰۹/۰۷ ساعت ۱۰ صبح در محل وقوع ملک حاضر و نسبت به عملیات افراز برابر مقررات اقدام خواهد نمود. لذا بموجب این آگهی از کلیه مالکین و مجاورین پلاک فوق دعوت به عمل می‌آید به جهت حفظ حقوق مالکانه و عدم تضییع حق احتمالی، در موعد مقرر در این آگهی در محل وقوع ملک مورد تقاضا حضور یابند. بدیهی است عدم حضور در موعد تعیین شده فوق مانع ادامه عملیات افراز نخواهد شد. م.الف ۸۹۵ آ۱۴۰۷۵۹۴

مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک طرقبه شاندیز- حسن ابوترابی-از طرف محمد ایرانی

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای مهدی نعمت‌خواه حصاری وکالتاً از طرف سیدمحمدعلی نعمت‌خواه حصاری به شماره وکالت ۲۷۴۸۷ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲ دفتر ۱۳۱ مشهد با ارائه استشهاد محلی گواهی امضاء شده طی درخواست ۲۱۱۴۸/۱۴۰۰ مورخ ۱۴۰۰/۶/۲۸ تقاضای صدور سند مالکیت المثنی مالکیت ۳۰۰ سهم مشاع از ۴۵۴۸۶ سهم مشاع از کل ۲۷۷۲۶۷ سهم مشاع از یک دانگ از ششدانگ پلاک باقیمانده ۱۷۸ و ۱۷۹- اصلی بخش ۱۰ طرقبه شاندیز که پلاک فوق‌الذکر به سیدمحمد علی نعمت‌خواه حصاری ذیل دفتر ۳۹۰ صفحه ۶۵ به شماره ثبت ۸۴۶۰۴ ثبت و سند شماره ۲۵۲۹۳ صادر گردید و فاقد بازداشت و راهن می‌باشد حسب اعلام مالک متقاضی سند مالکیت در اثر سهل‌انگاری مفقود شده در اجرای ماده ۱۲۰ اصلاحی آئین‌نامه قانون ثبت مراتب در یک نوبت آگهی تا چنانچه اشخاصی مدعی انجام معامله یا وجود اصل سند مالکیت نزد خود می‌باشند ظرف ۱۰ روز از تاریخ انتشار آگهی اعتراض خود را همراه اصل سند مالکیت یا سند معامله به اداره ثبت محل ارائه تا مراتب صورت جلسه گردد. چنانچه پس از اتمام مدت مقرر اعتراض ارائه نگردد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نشود این اداره مطابق مقررات اقدام به صدور سند مالکیت المثنی به نام مالک خواهد نمود. م.الف ۸۹۶ آ۱۴۰۷۵۹۵

مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک طرقبه شاندیز- حسن ابوترابی-از طرف محمد ایرانی

آگهی فقدان سند مالکیت

خانم امیره نجات شکوهی با ارائه استشهاد محلی گواهی امضاء شده طی درخواست ۲۳۷۱۰/۱۴۰۰ مورخ ۱۴۰۰/۰۷/۲۰ تقاضای صدور سند مالکیت المثنی ششدانگ پلاک ۵۲/۷۹۹ فرعی از ۵- اصلی بخش ۶ طرقبه شاندیز را نموده که پلاک فوق‌الذکر به نام امیره نجات شکوهی ذیل دفتر ۲۸۰ صفحه ۱۱۶ ذیل ثبت ۵۲۸۲۶ ثبت و سند به شماره ۱۲۴۶۱۴ صادر و فاقد بازداشت و رهن می‌باشد حسب اعلام مالک متقاضی سند مالکیت در اثر سهل‌انگاری مفقود شده در اجرای ماده ۱۲۰ اصلاحی آئین‌نامه قانون ثبت مراتب در یک نوبت آگهی تا چنانچه اشخاصی مدعی انجام معامله یا وجود اصل سند مالکیت نزد خود می‌باشند ظرف ۱۰ روز از تاریخ انتشار آگهی اعتراض خود را همراه اصل سند مالکیت یا سند معامله به اداره ثبت محل ارائه تا مراتب صورت جلسه گردد. چنانچه پس از اتمام مدت مقرر اعتراض ارائه نگردد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نشود این اداره مطابق مقررات اقدام به صدور سندج مالکیت المثنی به نام مالک خواهد نمود. م.الف ۸۹۷ آ۱۴۰۷۵۹۶

مدیر واحد ثبتی ثبت ملک طرقبه شاندیز- حسن ابوترابی

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه آقای رضا میرزائی نامانلو فرزند بهمن برابر وکالت نامه شماره ۲۶۴۷۲-۱۳۹۰/۱۲/۲۵دفتر اسناد رسمی ۲۶شیروان از سوی آقای محمد حسینی مقدم فرزند محمد حسن به ش ش ۱۷۹ و به استناد دو برگ استشهادیه گواهی شده توسط دفتر اسناد رسمی شماره ۲۶شیروان جهت دریافت سند مالکیت المثنی نوبت اول به این اداره مراجعه نموده و مدعی اند که سند مالکیت ششدانگ یک قطعه زمین بشماره پلاک ۴۴۵۵ فرعی مفروز ومجزی شده از ۲۵۷ فرعی از ۱۱ اصلی واقع در قطعه سه شیروان بخش ۵ قوچان به آدرس خیابان فرهنگیان ۷ که متعلق به موکل ایشان میباشد بعلت نامعلومی مفقود شده است با بررسی دفتر املاک معلوم گردیده که سند مالکیت آن بشماره چاپی ۰۸۹۴۵۹ سری ب ۹۰ ذیل صفحه ۲۷۴دفتر ۳۳۵ شماره ثبت ۶۳۶۴۴ به نام موکل نامبرده صادر وتسلیم گردیده است و سپس برابرسند شماره ۲۶۴۷۱-۱۳۹۰/۱۲/۲۵دفتر رهن بانک مسکن قرار گرفته است. لذا به استناد تبصره یک اصلاحی ماده ۱۲۰ آئیننامه قانون ثبت مراتب یک نوبت آگهی ومتذکر میگردد هرکس نسبت به ملک مورد آگهی معامله ای انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود میباشد بایستی ظرف ۱۰ روز از تاریخ انتشار آگهی اعتراض خودرا به همراه اصل سند مالکیت باسند معامله رسمی به این اداره تسلیم نمائید بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض در مهلت مقرر یا وصول اعتراض بدون ارائه سند مالکیت باسند معامله رسمی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی و تسلیم آن به متقاضی اقدام خواهد شد. آ۱۴۰۷۵۷۶

تاریخ انتشار آگهی: ۱۴۰۰/۰۸/۲۰

اکبر اقبالی

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شبروان

رونوشت آگهی حصر وراثت

نظر به اینکه آقای علیرضا ایروانی دارای شناسنامه ۵۷۴۹۷۴۲۱۲۱ به شرح دادخواست به کلاسه ۳۳۵ از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان حسن ایروانی به شناسنامه ۵۷۴۹۵۹۱۴۴۱ در تاریخ ۱۴۰۰/۷/۲۶ در اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته و ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به

۱. صغری ایروانی فرزند حسن کد ملی ۵۷۴۹۴۱۲۱۱ ت.ت ۱۳۴۶/۲/۱۰ نسبت فرزند مرحوم
۲. کبری ایروانی فرزند حسن کد ملی ۵۷۴۸۹۴۱۲۲۸ ت.ت ۱۳۴۷/۴/۱۵ نسبت فرزند مرحوم
۳. محمد ایروانی فرزند جسن کدملی ۵۷۴۸۹۴۱۸۸۰ ت.ت ۱۳۵۱/۲/۱ نسبت فرزند مرحوم
۴. علیرضا ایروانی فرزند حسن کد ملی ۵۷۴۹۷۴۲۱۲۱ ت.ت ۱۳۵۳/۱/۶ نسبت فرزند مرحوم
۵. رقیه ایروانی فرزند حسن کد ملی ۵۷۴۸۹۴۲۷۷۱ ت.ت ۱۳۵۵/۴/۲۰ نسبت فرزند مرحوم
۶. فاطمه ایروانی فرزند حسن کد ملی ۵۷۴۸۹۴۳۸۰۸ ت.ت ۱۳۵۸/۱۲/۱۰ نسبت فرزند مرحوم
۷. معصومه ایروانی فرزند حسن کد ملی ۵۷۴۸۹۴۴۴۳۱ ت.ت ۱۳۶۱/۱۲/۲۰ نسبت فرزند مرحوم
۸. زهرا ایروانی فرزند قدرت کد ملی ۵۷۴۸۹۳۸۷۳۱ ت. ت ۱۳۲۷/۳/۱۰ نسبت همسر مرحوم

اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را به استناد ماده ۳۶۲ ق امور حسبی یک نوبت آگهی می نماید تا هرکسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد و الا گواهی صادر خواهد شد. آ۱۴۰۷۵۷۵

سید حسن سامغانی

قاضی شورا شعبه هفتم دشوری حل اختلاف شهرستان زبرخان

((آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبت تایباد))

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ املاک متقاضیان که در هیئت موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در بخش ۱۴ مشهد واحد ثبتی شهرستان تایباد مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلامعارض آن محرز و رأی لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می‌گردد:
آقای حامد ملاحسینی کاریزی به شناسنامه شماره ۰ کدملی ۰۷۴۰۳۶۸۳۶۲ صادره تایباد فرزند داود در ششدانگ یکباب منزل به مساحت ۲۴۸/۲ مترمربع پلاک شماره ۳۱۲ فرعی از ۲۷۶ اصلی واقع در خراسان رضوی بخش ۱۴ مشهد حوزه ثبت ملک تایباد از محل قسمتی از مالکیت شادروان جهانشیر نصراللهی (سهم‌الارثی همایون نصراللهی) و قسمتی از پلاک** کلاسه ۲۷۶-۹۸
لذا بموجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آئین‌نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق روزنامه کثیرالانتشار منتشر تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی تا دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترضین باید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایند و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارایه حکم قطعی دادگاه است و در صورتیکه اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست. آ ۱۴۰۷۰۳۹

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۰/۸/۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۰/۸/۲۰

رئیس ثبت اسناد و املاک تایباد

غلامرضا آقازاده

رونوشت آگهی حصر وراثت

نظر به اینکه آقای نعمت‌اله پاکدل دارای شناسنامه شماره ۱۰۳۳ به شرح دادخواست به کلاسه ۴/۰۰۰۰۳۳۷ از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان همدم پاکدل به شناسنامه ۹ در تاریخ ۱۳۹۴/۰۵/۱۰ در اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته و ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به:

۱- نعمت‌اله پاکدل به ش‌ملی ۰۷۴۸۸۰۴۱۰۲ متولد ۱۳۴۷/۰۸/۰۲ فرزند متوفی
۲- عبداله پاکدل به ش‌ملی ۰۷۴۸۸۰۲۰۹۹ متولد ۱۳۴۵/۰۶/۰۱ فرزند متوفی
۳- رمضانعلی پاکدل به ش‌ملی ۰۷۴۸۸۰۴۰۸۰ متولد ۱۳۴۳/۰۷/۰۴ فرزند متوفی
۴- حبیب پاکدل به ش‌ملی ۰۷۴۸۸۰۴۰۷۲ متولد ۱۳۴۱/۰۶/۲۰ فرزند متوفی

اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را به استناد ماده ۳۶۲ ق امور حسبی یک نوبت آگهی می‌نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد. آ۱۴۰۷۵۶۰

قاضی شورا- شعبه چهار شورای حل اختلاف شهرستان تایباد

حسن رضائی منفرد

رونوشت آگهی حصر وراثت

نظر به اینکه آقای نبی‌اله محمودی دارای شناسنامه شماره ۷۲۶ به شرح دادخواست به کلاسه ۳/۰۰۰۰۳۶۸ح از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان یونس محمودی به شناسنامه ۰۷۴۰۴۶۷۴۴۱ در تاریخ ۱۴۰۰/۶/۱۱ در اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته و ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به:

۱- نبی‌اله محمودی فرزند ذبیحاله ش‌ش ۷۲۶ متولد ۱۳۴۸/۱/۳ صادره از تایباد پدر متوفی
۲- فاطمه مصطفائی حسینی‌نی فرزند مصطفی ش‌ش ۱۰۱۵ متولد ۱۳۵۹/۶/۲۰ صادره از تایباد مادر متوفی

اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را به استناد ماده ۳۶۲ ق امور حسبی یک نوبت آگهی می‌نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.آ۱۴۰۷۵۶۱

قاضی شورا- شعبه سوم شورای حل اختلاف شهرستان تایباد

محمد باری

آگهی

خوانده : پیمانکاری عباس اژدری
به کارفرمایی : عباس اژدری
به نشانی استان بوشهر شهرستان بوشهر
نشانی بلوار صدرا خیابان فلات قاره موسسه کشتی سازی شهید محلاتی –پیمانکاری عباس اژدری

نظر به اینکه دادخواستی برای شمار در اداره تعاون ،کار و رفاه اجتماعی مطرح شده است برای اطلاع از مفاد ان و زمان و مکان حضور در جلسه رسیدگی لازم است در سامانه جامع روابط کار ثبت نام نمایند. بدین منظور چنانچه تاکنون اقدام به ثبت نام در سامانه جامع روابط کار ننموده اید با همراه داشتن کارت ملی به یکی از دفاتر پیشخوان دولت مراجعه و ثبت نام نمایید.سپس برای مشاهده دادخواست مربوط به صفحه شخصی خود در سامانه رجوع نمایید

راهنمای ورود به سامانه (پس از احراز هویت وورود به سامانه برروی گزینه پنجره واحد خدمات کلیک کرده سپس گزینه پنجره خدمات را انتخاب نمایید از نوار اداره کل روابط کار ،دریافت دعوتنامه /حکم جلسه رسیدگی با کد ابلاغیه را با کلیک برروی گزینه شروع انتخاب نمایید و در فرم ظاهر شده در خواست دریافت دعوتنامه جلسه رسیدگی با کد ابلاغیه را انتخاب نموده و کد ابلاغیه درج شده در این برگه را در کادر کد ابلاغیه موجودوارد نمایید. سپس به قسمت تمام وظایف رجوع نمایید.)

تذکر۱-ثبت نام اشخاص حقوقی در سامانه مستلزم همراه داشتن تصویر اخرین روزنامه رسمی شامل نام مدیر عامل و نشانی قانونی شخص حقوقی است.

تذکر۲-عدم ثبت نام در سامانه یا عدم حضور در جلسه رسیدگی مانع رسیدگی وصدور رای نخواهد بود .لذا موکدا توصیه می شود به منظور شرکت در جریان رسیدگی و احقاق حقوق خود نسبت به ثبت نام در سامانه جامع روابط کار و شرکت در روند دادرسی اقدام فرمایید.لطفا مدارک خود را علاوه بر بارگذاری درسامانه جهت ارائه در روز جلسه رسیدگی به همراه داشته باشید. م الف ۴۲۱ آ۱۴۰۷۵۹۱

فرید مجاهدی –مدیراداره تعاون ،کار و رفاه اجتماعی منطقه